

جهاد؛ مقوله ای فرهنگی - اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی

محمد جانی پور*؛ دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق (ع)
محمد رضا ستوده نیا؛ استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم
سال چهارم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۹۲ - ۷۵
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۷
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۳/۲۳

چکیده

مقوله «جهاد» به دلیل حساسیت و آثار گسترده‌ای که بر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع اسلامی و همچنین نظم نوین جهانی داشته، موضوع تحلیل‌های بسیاری قرار گرفته که در نتیجه آن، دیدگاه‌های مختلفی تولید و عرضه شده است. برخی آن را به مثابه اقدامی نظامی و همسان با قتال دانسته و برخی دیگر با رویکردی حداقلی، تنها جنبه‌های تدافعی جهاد را مدنظر قرار داده‌اند. بررسی آیات قرآن کریم و گونه‌شناسی انواع مختلف جهاد در دین مبین اسلام نشان می‌دهد که این مفهوم همواره به مثابه راهبردی عام، مطلق و نرم‌افزاری در راستای تأسیس، تثبیت و تداوم سبک زندگی اسلامی مطرح شده و در این راستا مصادیق متعددی پیدا کرده است. شناسایی گونه‌های مختلف جهاد در قرآن کریم و راهبردهای مطرح شده ذیل آنها، مؤید این است که هدف خداوند متعال از تبیین این مفهوم، ایجاد تغییر در ماهیت انسان و به تبع آن، تغییر در جهان‌بینی و ایدئولوژی او به منظور تثبیت حضور افراد و جوامع اسلامی در مسیر هدایت و توحید و در نهایت ترسیم سبک زندگی توحیدی مبتنی بر اصل جهاد بوده است. در این مقاله ابتدا مبانی مفهومی تحقیق تعریف شده و پس از شناسایی گونه‌های مختلف جهاد در قرآن کریم و تبیین راهبردهای هر کدام، الگوی مطرح جهت نیل به سبک زندگی اسلامی طراحی و ارائه شده است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، جهاد، سبک زندگی، جنگ نرم.

۱- مقدمه

در ارتباط با جهاد، باید گفت که عموم نظریه‌های مطرح توسط عالمان جهان اسلام، ناظر بر رزمی و نظامی دیدن آن است و براین اساس مبادی فقهی خود را ترسیم کرده‌اند (برای آشنایی با مبادی فقهی رویکردهای غالب نزد گروه‌های مختلف دینی ر.ک: ابن تیمیّه، ۱۳۶۸ ق؛ ابوزهره، ۱۳۸۴ ق؛ حسن، ۱۴۰۲ ق؛ زحیلی، ۱۳۸۱ ق؛ طوسی، ۱۳۸۷ ق؛ موسوی، خمینی، بی‌تا؛ هیکل، ۱۴۱۷ ق)، در حالی که این نظریه علی‌رغم شهرت زیاد، از استناد و اعتبار قرآنی و یا کاربرد در سیره اهل بیت (ع) برخوردار نیست. پیامبر اکرم (ص) جهاد اکبر و اصلی را مبارزه با نفس قلمداد نموده و بدین ترتیب بنیاد آن را غیر نظامی دانسته‌اند: «أَنَّ النَّبِيَّ (ص) بَعَثَ بَسْرِيَّةً فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرَحِبًا بِقَوْمٍ قَضُوا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَمَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ» (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۵: ۱۲) «ثُمَّ قَالَ (ص) أَفْضَلُ الْجِهَادِ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ» (ابن بابویه، بی‌تا: ۴۶۷).

در نوشتار حاضر تلاش شده است تا از منظری تازه و متفاوت به مفهوم جهاد در قرآن کریم نگریسته شود و به صورت مصداقی برخی از موضوعات آن در گفتمان اسلامی مطرح شود. برای درک این معنا، ابتدا مروری اجمالی بر معناشناسی واژگان «جهاد» و «قتال» در قرآن کریم داشته و سپس با بررسی آیات مشتمل بر واژه و حکم جهاد در قرآن کریم، به گونه‌شناسی انواع مختلف جهاد در قرآن کریم پرداخته شده است.

در پی این گونه‌شناسی، با تقسیم دوگونه اصلی جهاد در حوزه‌های جنگ سخت و جنگ نرم، مصادیق هر کدام تحلیل شده و در نهایت رویکردهای مطرح در این زمینه نقد و ارزیابی شده است. در حقیقت هدف از انجام این تحقیق آن است که اصل موضوع جهاد - متناسب با گفتمان قرآنی - تحلیل، و مرزهای مفهومی و کاربردی آن از قتال ترسیم گردد.

۲- مبانی نظری تحقیق

۱-۱- جهاد

«جهاد» عنوان یکی از فروع دین و از جمله ارکان عبادی در فرهنگ اسلامی است که به گونه‌های مختلفی از کوشش در راه خدا - به خصوص جنگ در راه دین - اطلاق شده است.

از نظر لغوی، «جهاد» بر وزن فعال از ریشه «جَهَدَ» به معنای کوشیدن است (بیستونی، ۱۳۸۶: ۲۲۵؛ سیاح، ۱۳۷۱: ۲۱۹). ریشه سه حرفی «ج ه د» در کاربرد ثلاثی مجرد یک واژه روزمره در زبان عربی است، اما در کاربرد اصطلاحی آن، «جهاد» صورت دیگری از مصدر «مجاهده»، در باب مفاعله به کار رفته است که به خوبی نشان از یک رابطه دوطرفه دارد. در کاربرد اصطلاحی، جهاد در تمام مواردی که به کار رفته، همواره افزون بر معنای کوشش، به سبب باب مفاعله بودن، در بر دارنده معنای رویارویی با یک طرف مقابل نیز بوده است (پاکتچی، ۱۳۸۰: ۴).

در تعریف عالمان دینی، به ویژه فقها، جهاد تنها محدود به جنگ در راه خداوند است (کرکی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳: ۳۶۵؛ نووی، ۱۴۱۷ ق: ۱۹، ۲۹۴) و دیگر گونه‌های جهاد - مانند جهاد با نفس - جایگاهی فقهی

ندارد، اما نزد برخی دیگر از عالمان، معنای جهاد با توسعه بیشتری مطرح شده و در بر دارنده هر نوع بذل جان یا مال در راه اعتلای کلمه اسلام و اقامه شعایر ایمان دانسته شده است (صاحب جواهر، ۱۳۹۴ق، ج ۳: ۲۱؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۱۰: ۳۸۵).

محل قرار گرفتن مبحث جهاد در کتب فقهی و حدیثی نیز خود نشان دهنده ژرفای جایگاهی است که عالمان جهان اسلام برای جهاد قائل بوده‌اند. در بسیاری از این کتب، مبحث جهاد به عنوان یکی از عبادات و فرایض، در ردیف عباداتی چون نماز و روزه و حج قرار گرفته است (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۵: ۲؛ ابن رشد، ۱۴۰۲ق، ج ۱: ۳۸۰؛ محقق حلی، ۱۳۸۹ق، ج ۱: ۳۰۷)، این در حالی است که برخی از فقیهان اهل سنت، جهاد را در مباحث احکام و سیاست در کنار موضوعاتی چون حدود و قصاص آورده‌اند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۵: ۵۱۷) و گاه نیز مباحث جهاد در مبحثی ذیل عنوان «کتاب السیر» جای یافته است (کاسانی، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۹۷).

تحلیل لغوی این واژه در گفتمان اسلامی و به‌ویژه از منظر آیات قرآن کریم، دلالت بر ظرایف معنایی مهمی دارد که پرداختن به آنها جهت ورود به بخش نقد و ارزیابی رویکردهای مطرح در این زمینه، ضروری است. مهمترین ملاحظات لغت‌شناسانه جهاد عبارتند از:

۱. در جهاد عنصر «توسع» و «طاق» ملاک است. به همین خاطر است که در «لسان‌العرب»، جهاد با «به‌کار بستن تمام توان» شناسانده شده است (ابن‌منظور، ۱۴۲۶ق: ماده جَهَد). در این معنا ریشه آن «جَهَد» است.

۲. در جهاد عنصر «مشقت» و «سختی» نهفته است. چنانکه در شرح قسطلانی بر صحیح بخاری آمده است: جهاد می‌تواند مشتق از «جَهَد» باشد که به معنای «سختی» است (ذوقی، ۱۳۸۸: ۱۸).

۳. در جهاد عنصر «آگاهی» وجود دارد؛ بدین معنا که بنیاد «جهاد» را معرفت شکل می‌دهد و معنای حقیقی آن در حوزه معرفت و خودسازی محقق می‌شود.

۲-۲- سبک زندگی

اصطلاح «سبک زندگی» به‌عنوان یکی از اصطلاحات علوم اجتماعی، پیوند مستقیم و وثیقی با مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با گفتمان خود دارد؛ مفاهیمی مانند: عینیت و ذهنیت، فرهنگ و جامعه، فرهنگ عینی و ذهنی، شکل و محتوا، رفتار و معنا، اخلاق و ایدئولوژی و... سبک زندگی امری را شامل می‌شود که به زندگی انسان، اعم از بُعد فردی، اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط است؛ امری نظیر بینش‌ها (ادراک‌ها و اعتقادات) و گرایش‌ها (ارزش‌ها، تمایلات و ترجیحات) که امری ذهنی یا رفتار درونی هستند و رفتارهای بیرونی (اعم از اعمال هوشیارانه و غیرهوشیارانه، حالات و وضعیت جسمی)، وضعیت‌های اجتماعی و دارایی‌ها که امور عینی هستند.

سبک زندگی به‌عنوان تجلی عینی اندیشه‌ها و عقاید، تأثیر فراوانی بر عقاید و اندیشه‌ها و به‌خصوص صفات انسانی دارد و از این‌رو شکل‌گیری خلق و خو و نگرش‌ها عموماً متأثر از سبک زندگی است (هندی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۲۸).

پیروان هر کدام از مکاتب فکری - فلسفی متناسب با بینش‌ها و گرایش‌های خود، سبک خاصی از زندگی را برگزیده‌اند. از این‌روی سبک زندگی کنونی در جهان بشریت، یا سنتی است، یا مدرن و یا مدرن‌زده. برخی سبک زندگی را تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش‌های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود در فرهنگ موجود و شناساندن آن به دیگران تعریف کرده و برخی دیگر آن را به کلیت زندگی و همه فرآیندهای عمومی و خصوصی آن تطبیق داده‌اند (Adler, ۱۹۵۶, p. ۳۲).

در این میان آنچه اهمیت پرداختن به سبک زندگی را در پژوهش‌های اجتماعی و اعتقادی مبرهن می‌سازد، نتایج ناشی از انتخاب سبک‌های مختلف برای زندگی است که در مواردی منجر به ظهور و بروز بسیاری از آسیب‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی در سطح جوامع می‌شود و در مواردی دیگر رشد و پیشرفت‌های علمی، اقتصادی و فرهنگی را برای آنها به ارمغان می‌آورد.

آنچه اندیشمندان مسلمان را به تأمل و تعقل در سبک زندگی اسلامی واداشته، تأثیرات سوء و زیانباری است که جوامع اسلامی در قرون اخیر از تمدن و فرهنگ کشورهای غربی که از سبک زندگی غیراسلامی تبعیت می‌کنند، متحمل شده‌اند. در طی سالیان گذشته شاهد آن بوده‌ایم که به‌گونه‌ای لجام گسیخته و ناهنجار، بسیاری از عناصر و مؤلفه‌های سبک زندگی غربی در میان جوامع اسلامی منتشر شده و در مواردی موجبات انحراف جوامع را فراهم آورده است.

برخی نیز با تعریف زندگی به‌نوعی ارزش حیات قائل شدن برای انسان معتقدند تا زمانی که این ارزش برای انسانی وجود داشته باشد، وی صلاحیت و شایستگی زندگی داشته و به‌محض از دست دادن این صلاحیت‌ها، فاقد ارزش شناخته شده و نظام خودکار طبیعت نعمت زندگی را از وی سلب می‌کند. در این رویکرد آنچه مهم است، کارکردهای زندگی یک انسان می‌باشد، نه هدف و یا سبک زندگی او (Heidegger, ۱۹۶۲: ۲۳۶).

به‌عبارت دیگر انسان تنها موجودی است که کارکردهای وجودش برای او مسأله است، لذا در چرخه طبیعت می‌بایست به‌دنبال کشف کارکردها و سودمندی‌های انسان بوده است و به‌طور طبیعی مادامی که انسانی از نعمت حیات و زندگانی برخوردار باشد، قطعاً سیستم هوشمند طبیعت کارکردهای مفیدی را (بالقوه یا بالفعل) در وی مشاهده کرده است (Quinn, ۲۰۰۰: ۵۳).

برخی دیگر «زندگی» را به‌عنوان همه حیطه‌های فردی و اجتماعی در مقطع خاصی از زمان در نظر گرفته که می‌بایست در خصوص آن قضایاتی واحد و یکپارچه داشت (کجباغ و دیگران، ۱۳۹۰: ۶۱-۴۴).

در ادامه مقاله، به‌منظور تبیین جایگاه جهاد علمی در سبک زندگی اسلامی، در ابتدا به‌گونه‌شناسی انواع «جهاد» در قرآن کریم پرداخته می‌شود؛ سپس مقوله جهاد علمی در این عرصه را مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳- نظریه‌های غالب در خصوص جهاد

موضوع «جهاد» به‌دلیل حساسیت و آثار گسترده‌ای که بر تحولات جوامع اسلامی و نظم جهانی دارد، موضوع تحلیل‌های بسیاری قرار گرفته که در نتیجه آن، دیدگاه‌های مختلفی تولید و عرضه شده است.

در این قسمت نگارنده نخست نگاهی اجمالی به این نظریه‌ها داشته و در ادامه پس از گونه‌شناسی انواع مختلف جهاد در قرآن کریم و تبیین راهکارهای نیل به آن، تلاش دارد تا در نهایت، دیدگاه مختار خود را ارائه نماید.

در ارتباط با «جهاد» می‌توان دو رویکرد کلی را شناسایی نمود، به گونه‌ای که دیگر نظریه‌های موجود در این رابطه را علی‌رغم تفاوت‌های تحلیلی و استنادی، می‌توان در این دو رویکرد کلی قرار داد. این دیدگاه‌ها عبارتند از:

۳-۱- جهاد به مثابه قتال برای دین

در این دیدگاه، «جهاد» مصداق کامل «قتال» ارزیابی و سیاستی شناسانده می‌شود که به کاربرد خشونت برای سرکوب حریف، با اغراض زیر دلالت دارد:

۱. صیانت از «بلاد، نظام و جامعه» اسلامی در قبال تعرض دشمن خارجی که به «جهاد دفاعی» شناسانده شده و از حیث عقلی و شرعی برای آن تأییدات بسیار می‌توان سراغ گرفت (ر.ک. طوسی، ۱۳۸۷ق؛ موسوی خمینی، بی‌تا؛ هیکل، ۱۴۱۷ق؛ ابن تیمیه، ۱۳۶۸ق).

۲. تقویت نظم و ثبات داخلی جامعه اسلامی در قبال «باغی» که به دلیل سرکشی و تمرد، مستوجب برخورد فیزیکی شده است (ر.ک: الماوردی، ۱۴۱۵ق؛ ابن قیم الجوزیه، ۲۰۰۶م: ۷۸۰-۷۵۸؛ عمید زنجانی، ۱۳۸۵-الف: ۳۴۰-۳۱۰).

۳. مبارزه با کافران به منظور «توسعه کلمه الله» که از آن با عنوان «جهاد ابتدایی» یاد شده و البته پیرامون وجوب یا حتی جواز آن، بحث‌های بسیار مطرح است (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۳۳۶-۳۲۴).

۳-۲- جهاد به مثابه دفاع از دین

در این دیدگاه سه مصداق مذکور مورد نقد قرار گرفته، یک یا دو گونه آن از قلمرو جهاد خارج می‌گردد. برای مثال می‌توان اصول این دیدگاه را به شرح زیر برشمرد:

۱. نفی وجوب جهاد ابتدایی؛ بدین صورت که آن را از حیث معنا و کاربرد خارج از گفتمان اسلامی می‌دانند (ر.ک: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲: ۸۴).

۲. تفکیک مصداقی در معنای «بغات» و خروج دسته‌ها و گروه‌های مخالف و معارض حاکم عدل از گستره آن، تا از این طریق به کاربرد حداقلی جهاد در مقابل «باغی» برسند (هیکل، ۱۴۱۷ق: ۶۶؛ صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۹-۱۰۳).

۳. تحدید در دفاع به گونه‌ای که برای این اقدام ضروری، شروطی را قائل می‌شوند تا از این طریق مانع از کاربرد گسترده آن شوند. این نویسندگان مستند به آیات شریفه ۶۵ و ۶۶ از سوره مبارکه انفال و مواردی از این قبیل: بر و پایداری را گام نخست در جهاد دانسته و جنگ دفاعی را در مرحله بعدی قرار می‌دهند. برخی دیگر قائل به شرط «تعداد» هستند و «دو برابر بودن» دشمن را دلیل وجوب جهاد دفاعی

دانسته‌اند که در نهایت حکایت از «تجدیدگرایی جهاد» توسط ایشان دارد (ر.ک: صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲: ۱۲۰-۱۰۴)

چنانکه ملاحظه می‌شود، نزد این گروه حداکثر «وجوب جهاد دفاعی» اثبات می‌شود و سایر گزینه‌ها با ادله مختلف (از حیث ماهیتی یا مصداقی) نفی و خارج می‌گردد.

۴- گونه‌شناسی جهاد در قرآن کریم

بررسی تاریخ تحولات صدر اسلام حکایت از آن دارد که در برهه‌هایی از تاریخ، پرداختن به جنگ نظامی و قتال در راستای مقابله با دشمنان و پیشبرد دین اسلام و تعالی آن به‌عنوان یک امر ممدوح پذیرفته شده بود، لکن در شرایطی نیز شاهد آن هستیم که ائمه اطهار (ع) و به تبعیت از ایشان، رهبران جامعه اسلامی، راهبردهای دیگری را جهت مقابله با دشمنان اتخاذ کرده‌اند. علت این اختلاف نظرها بیش از آنکه به امکانات نظامی و مادی جامعه بستگی داشته باشد، به‌میزان درک و فهم افراد جامعه و مبانی معرفتی و اعتقادی آنان وابسته است.

مطابق این رویکرد، جنگ در دو گفتمان متفاوت قابل بررسی است: نخست، جنگ سخت که با واژه «قتال» در اسلام از آن تعبیر شده و دوم، جنگ نرم که در زیر مجموعه واژه «جهاد» از آن یاد شده است و در واقع فلسفه و بنیاد آن مشتمل بر اقدامات نرم‌افزارانه‌ای است که تلاش دارد از طریق نقد مبانی معرفتی غلط قدرت‌های نامشروع حاکم، به نفی ساختارهای متعصب سیاسی اجتماعی منتهی شود.

در این قسمت، مبانی و مستندات این معنا تبیین، و به تحلیل گونه‌های معرفتی شده از جهاد در قرآن کریم می‌پردازیم که مهمترین آنها عبارتند از:

۴-۱- جهاد الهی

از آنجا که انسان خلق شده تا عبادت الهی را به‌نحو احسن و کامل به‌انجام رساند تا از این طریق، اعتلاء یافته و روح خود را به آنچه هدف از خلقتش بوده، نزدیک کند، مبنایی‌ترین گونه جهاد «تلاش برای خدایی شدن» یا «جهاد الهی» است که خداوند متعال با ربط جهاد به‌خودش، آن را تبیین و بیان نموده است: «و جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج/ ۷۸).

همچنین خداوند متعال در آیات دیگری از قرآن مجید با اصل قرار دادن مسأله جهاد به‌عنوان یکی از مهمترین و اصلی‌ترین آموزه‌های دین مبین اسلام که همگان می‌بایست از فیلتر آن عبور کنند: «و لَيُبَلِّغَنَّكُمْ حَتَّىٰ تَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ» (محمد/ ۳۱)، بر ضرورت توجه به این مسأله تأکید کرده و ثمره آن را ارتقاء معرفتی و ایمانی برای خود انسان‌ها دانسته است: «وَمَنْ جَاهَدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت/ ۶)

باید گفت که از این آیات شریفه چند ملاحظه مفهومی در بحث «جهاد» قابل استنتاج است:

۱. حرف اضافه «فی» به‌کار رفته که از حیث معنایی (الاسمر، ۲۰۰۵: ۱۶۶) برای «تعلیل» (بیان غایت)

به کار می‌رود، بیانگر غایت «مجاهده» است و مقصد را می‌رساند.

۲. مجاهده در این آیات شریفه صرفاً به «الله» معطوف شده است که مشابه آن را در سایر آیات جهادی نمی‌توان با کاربرد «فی الله» سراغ گرفت. بنابراین منظور از مجاهده در اینجا تحولی است که غایت آن به «الله» ختم می‌شود.

۳. «مناسبت» آیه سوره حج (ر.ک: ایازی، ۱۳۸۰: ۱۵) حکایت از آن دارد که «مجاهده» مورد نظر در اینجا، مبتنی بر پاره‌ای امکانات ارائه شده از سوی خداوند متعال و در عرصه‌های مختلف نظری و عملی می‌باشد که در نهایت به «ولایت الهی» ختم می‌شود.

راهبردها:

۱. تحلیل آیات فوق بیانگر آن است که رکن بنیادین جهاد، به اقدام افراد برای «خدایی شدن» در نظر و عمل اطلاق می‌شود که با تعبیر استثنائی «جاهدوا فی الله» آورده شده و از آنجا که این اقدام، تحولی ارزنده در راستای بهبود سبک زندگی است که معیار و ملاک آن «الله» است، لذا تعبیر خداوند نیز «حَقَّ جِهَادِهِ» می‌باشد که هیچ مرز و پایانی برای آن نمی‌توان تصور نمود.

۲. به گفته برخی مفسرین در این معنا، مسیر جهادی، طریقی است که انسان، اسماء و صفات حق را در خود به‌قدر توان و ظرفیتش متجلی می‌سازد و از این رهگذر، متحول می‌شود و پیرامون خود را نیز متحول می‌سازد و این همان مسیر تبیین ولایت الهی و توحید حقیقی و تلاش برای درک اقسام آن است (ر.ک: افتخاری، ۱۳۸۴: ۸۰-۶۶).

براین اساس اولین گام اساسی در راستای تغییر سبک زندگی غیر اسلامی به اسلامی و یا بهبود وضعیت آن، تلاش برای تغییر ماهیت انسان و جوامع بشری از طریق تبیین ولایت الهی و مفهوم توحید و تحلیل اقسام آن در زندگی بشر است.

۴-۲- جهاد توحیدی

در برخی دیگر از آیات قرآن کریم، متعلق جهاد حرف اضافه «فی» و ضمیر «نا» -و نه الله- به کار رفته که این موضوع اگرچه می‌تواند با معادل دانستن «نا» با «الله» تفسیر، و در نتیجه آیه حاضر، مؤیدی دیگر برای بند پیشین دانسته شود؛ اما نگارنده مستند به اصالت زبان قرآنی و اینکه کاربرد واژگان به صورت تطابق صد در صد معنایی، اصولاً در این کتاب وجهی ندارد، (ر.ک: مدرسی، ۱۳۸۶: ۶۴-۳۱) قائل به تفاوت «نا» با «الله» در این دو دسته از آیات است و ضمیر «نا» را «عام‌تر» و به معنای «جهان‌بینی توحیدی» ارزیابی می‌نماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/۶۹).

همچنین در برخی از آیات دیگر، مصدر جهاد بطور مطلق ذکر شده: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ» (توبه/۷۳) و «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلَظْ عَلَيْهِمْ» (تحریم/۹) که مراجعه به تفاسیر مختلف نشان می‌دهد متعلق آن، نوعی جهاد توحیدی در راستای اثبات حقانیت قرآن مجید و اسلام و تلاش برای اصلاح بنی‌سپهرها و نگرش‌های کفار و منافقین نسبت به این امر است (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۹: ۵۶۶).

راهبردها:

با مراجعه به تفاسیر مختلف می‌توان راهبردهای ذیل را جهت بهبود سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن کریم استنتاج نمود:

۱. در این آیه شریفه «الهی شدن» به همراه مقولات دیگری که مربوط به «الله» است، همانند معاد، درک حقیقت دنیا، دوری از شرک، اخلاص، شکر نعمت الهی و... مدّ نظر است؛ به همین دلیل فقط «خدایی شدن» ذکر نشده است و مجاهده، به اصلاح کل بینش خود و جامعه دلالت دارد. لذا کاربرد «نا» در این مقام معنادار می‌نماید. توجه به محتوای آیات پیشین که در نهایت به ذکر این آیه شریفه (به‌عنوان آیه پایانی سوره) منتهی شده، مؤید این معناست (قرشی، ۱۳۷۷، ج: ۸، ۱۶۶).

در واقع مبتنی بر علم مناسبات، می‌توان ادعا نمود که عصاره تمامی آیات پیشین - که ابعاد مختلف ایمان را بیان می‌دارد- در این آیه شریفه به‌تناسب آورده شده است که از مجاهده به «مؤمن شدن واقعی در عمل و نظر» می‌توان تعبیر نمود (ایازی، ۱۳۸۰: ۵۶-۳۴).

۲. نتیجه «جهاد» در این آیات «هدایت» ذکر شده است که با تفسیر «قتالی» از آیه مناسبت ندارد، لذا تفسیر این هدایت، به اصلاح بینش‌ها و نگرش‌های فرد و ارتقاء ایمان وی در همه عرصه‌های حیات مناسب‌تر است.

خلاصه کلام آنکه «ایمان» و ارتقای آن، که در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ» (نساء/۱۳۶) نیز بیان شده، دومین گام «جهاد» است که در تمامی عرصه‌های حیات باید صورت گیرد تا در نتیجه آن «حیات ایمانی» موضوعیت بیابد. این نوع نگاه به جهاد، چنانکه ملاحظه می‌شود، کاملاً کاربردی بوده و برای تمامی انسان‌ها و در تمامی عرصه‌های حیات وی قابلیت تحقق دارد.

۴-۳- جهاد در راه خدا

سومین مرتبه از جهاد، ناظر بر اقداماتی است که در «راه خدا» صورت می‌گیرد و امتیاز برجسته آن در این است که مجاهد را به «الله» نزدیک‌تر می‌سازد و این رسالتی است که هر «راهی» در نسبت به مقصدش ایفا می‌نماید. اما وجه تمایز آن از دو گونه نخستین، آن است که آنها در صورت نیل به «مقصد»، معنا و مفهوم می‌یابند. به همین خاطر است که گونه‌های اول و دوم به مراتب عالی‌تر از جهاد فی سبیل‌اللهی - و البته دشوارتر - هستند.

این گونه از جهاد، با دو دسته مفاهیم اصلی و فرعی در قرآن کریم معرفی شده است:

الف) برخی آیات با مدنظر قرار دادن مطلق تلاش در مسیر توحید و ایمان، بیانگر این نکته هستند که این نوع از جهاد پس از رسیدن فرد به راه الهی (یعنی ایمان اولیه) موضوعیت می‌یابد. مانند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائده/۳۵)، «يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ» (مائده/۵۴)، «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ» (بقره/۲۱۸)، «وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه/۱۹)، «وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِهِ» (توبه/۲۴) و «جَاهِدَا فِي سَبِيلِي وَابْتَغَاءَ مَرْضَاتِي» (ممتحنه/۱).

به عبارت دیگر فرد مسلمان پس از مجاهده و تلاش در مسیر درک مفهوم توحید و ایمان آوردن به خدا و انبیاء او، پا در راه دین و خدا گذاشته و از این پس «مجاهده فی سبیل الله» موضوعیت می یابد که لازمه آن تقویت هر آن چیزی است که ایمان وی را تقویت و افزایش می دهد.

ب) برخی دیگر با بیان مصادیقی خاص از چگونگی و کیفیت تلاش در راه توحید و هدایت سخن به میان آورده و راهکارهای این جهاد را مشخص نموده اند، مانند:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات/۱۵)؛ «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء/۹۵)، «وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (انفال/۷۲ و ۷۴)، «وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» (توبه/۲۰)، «لَكِنَّ الرُّسُولَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ» (توبه/۸۸) و (توبه/۴۶؛ توبه/۴۴؛ توبه/۸۱)؛ حجرات/۱۵؛ صف/۱۱).

راهبردها:

۱. تعریف عام از «جهاد فی سبیل اللهی» بیانگر هر تلاشی است که انسان مؤمن در راه خدا به انجام می رساند تا موجب تثبیت حضور افراد در مسیر هدایت و توحید شود، و از آنجا که مصادیق این تلاش بسیارند، لذا انحصار در موردی خاص ندارد.

۲. مجاهده فی سبیل الله، نیازمند تدارک دیدن زاد و توشه سفر است تا بتوان این راه را تا به پایان آن طی نمود. بررسی سیاق آیات فوق نشان می دهد که خداوند متعال از تقوا، رحمت الهی، همراهی سایر مؤمنان: بر و... به عنوان عوامل مؤید این مسیر یاد نموده است.

۳. ملاحظه می شود که در برخی آیات، دو حوزه «مال» و «جان» به عنوان عوامل اصلی و مؤید مسیر جهاد فی سبیل اللهی ممتاز شده اند که بیانگر اهمیت مسأله «انفاق» و «جهاد نظامی» در این مسیر هستند

۴-۴- جهاد مساعدتی

برخی دیگر از آیات قرآن، به گونه ای از جهاد اشاره دارد که بیانگر مفهوم «کمک» و «مساعدت» افراد یا گروه های جامعه اسلامی به رسول خدا(ص) و یا سایر مسلمانان است و تلاش دارد تا از این طریق به مسلمانان نزدیک و از مزایای (مادی و یا معنوی) این نزدیکی برخوردار شوند.

به عنوان مثال در آیات ذیل، کرانه های جهاد به صورت مطلق به جامعه اسلامی اشاره دارد: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ» (آل عمران/۱۴۲)، «فَوَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ» (انفال/۷۵)، «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ لَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَا رَسُولِهِ وَ لَا الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَجْزِيَ اللَّهُ خَيْرَ بِمَا تَعْمَلُونَ» (توبه/۱۶)

و در آیه ذیل نیز به صورت اختصاصی این کرانه به همراهی و مساعدت «رسول خدا» نسبت داده شده است: «وَ إِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللهِ وَ جَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطُّولِ مِنْهُمْ وَ قَالُوا ذُرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ» (توبه/۸۶).

راهبردها:

۱. بدیهی است که لازمه همراهی و مساعدت با فرد یا گروهی، اعتقاد به مسیر و مسلک آنان است، لذا این نوع از جهاد تلاش دارد تا مراتب ایمان افراد به انبیاء، اولیاء و رهبران الهی را تقویت کرده و بر تبعیت از دستورات ایشان جهت ارتقاء مراتب ایمانی و بهبود سبک زندگی تأکید کند (مدرسی، ۱۳۸۶: ۵۴-۳۳).

۲. از دیگر راهبردهای جهاد مساعدتی، تلاش برای ایجاد وحدت و همدلی در جامعه اسلامی است که در آیات متعددی از قرآن کریم بدان اشاره شده است (مانند حجرات/ ۱۰).

۳. منظور اصلی از جهاد مساعدتی، «مساعدت و همراهی» با رهبران الهی و جامعه اسلامی است. بدیهی است این مساعدت و همراهی گونه‌های مختلفی دارد. به عنوان مثال اگر ایشان قصد جنگ دارند، مساعدت در این زمینه معنا می‌یابد و اگر قصد کار دیگری دارند، مساعدت در امور اجتماعی یا فرهنگی معنای می‌یابد.

خلاصه آنکه جهاد مساعدتی در سطوح مختلفی مطرح بوده و تلاش دارد تا با ایجاد وحدت و همدلی در جامعه، سبک زندگی اسلامی افراد جامعه را به یکدیگر نزدیک تر کرده و آن را در بطن جامعه نهادینه کند، لذا باید گفته یکی از مهمترین راهکارهای نهادینه سازی سبک زندگی اسلامی در جامعه اسلامی، تأکید بر جهاد مساعدتی است.

۴-۵- جهاد مقابله‌ای

در قرآن کریم نوع دیگری از جهاد معرفی و تبیین شده است که اگرچه عموم مفسران از آن به جهاد کبیر تلقی کرده‌اند، لکن با توجه به موضوع آن که مقابله با دشمنان می‌باشد، می‌توان از آن به «جهاد مقابله‌ای» نیز تعبیر کرد: «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲)؛ پس هرگز از کافران اطاعت مکن و در مواجهه با ایشان، جهادی بزرگ را پیشه ساز.

این نوع از جهاد نحوه تقابل مسلمین با کفار و منافقان - که در دو جبهه خارج و داخل - قرار دارند را بیان نموده و با تأکید بر قید «جهاد کبیرا»، تقابل همه جانبه با دشمنان را تبیین می‌نماید. بدیهی است که این تقابل گونه‌های مختلفی داشته و تلاش در دو جبهه «جنگ سخت» و «جنگ نرم» را شامل می‌شود.

راهبردها:

با مراجعه به تفاسیر مختلف، راهبردهای ذیل جهت برخورد با دشمنان داخلی و خارجی قابل استنتاج است:

۱. دشمن شناسی؛ بدیهی است که اولین اقدام ضروری پیش از مواجهه با دشمنان، شناسایی افکار، عقاید، فرهنگ، استعدادها و قوای دشمن می‌باشد. لذا دستور به مقابله با کفار، تأکیدی دیگر بر اصل دشمن شناسی بوده و بدین صورت تلاش دارد تا جامعه اسلامی را از تبعیت از سبک زندگی غیر اسلامی بر حذر دارد.

۲. عدم اطاعت از خواسته‌های نامشروع دشمنان؛ بدین معنا که مسلمانان به هیچ وجه نباید از خواسته‌های نامشروع کفار و منافقین به خاطر تحصیل رضایت آنان، تبعیت نمایند و در این خصوص هیچ توجیهی قابل پذیرش نیست.

۳. رعایت اصل غلظت و شدت در مواجهه با دشمنان؛ در مقام مواجهه با منافقان و کفار باید «شدت» و «سرسختی» مسلمانان آشکار باشد تا آنها به اشتباه در ایشان طمع ننموده و سیاست‌های تحمیلی پیشه نکنند. چنانکه می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه/۷۳؛ تحریم/۹). این در حالی است که در مناسبات داخلی «رَحْمَتٌ»: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹) و نفی «شدت»: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/۱۵۹) ملاک و معیار است.

نتیجه آنکه در جهاد کبیر، موضوع اصلی، نحوه ساماندهی و مواجهه جامعه اسلامی و رهبران الهی آن با کفار و منافقین است که از حیث مفهومی می‌توان از آن در اصلاح سیاست خارجی کشورهای اسلامی و ممانعت از تقلید کورکورانه از سبک زندگی غیر اسلامی بهره گرفت.

۴-۶- جهاد کبیر

آخرین گونه‌ای که از جهاد در قرآن کریم آمده، تفسیری عمومی به معنای «تلاش نمودن» است که مصادیق مختلفی مانند تلاش نمودن در راه حفظ دین و سرسختی و جدیت نشان دادن در امور مختلف را شامل می‌شود.

به‌عنوان نمونه در برخی آیات، از تعبیر جهاد برای مقابله با والدینی که قصد ایجاد انحراف در عقاید فرزندان صالح خود را دارند استفاده شده است که خود بیانگر تلاشی سخت - به‌ویژه با رعایت اصل احترام و احسان به والدین - در راستای حفظ دین است: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا» (لقمان/۱۵).

در برخی آیات دیگر نیز از تعبیر جهاد برای نشان دادن سرسختی و جدیت در امور مختلفی چون قسم‌ها یا دینداری استفاده شده است: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ» (مائده/۵۳؛ انعام/۱۰۹؛ نحل/۳۸؛ نور/۵۳؛ فاطر/۴۲)، «وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جَهْدَهُمْ» (توبه/۷۹) و «وَمَنْ جَاهَدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ» (عنکبوت/۶).

همچنین در آیاتی دیگر به‌مسأله تحمل سختی در مسیر دینداری اشاره می‌کند: «ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا قُتِلُوا أَنْ يَجَاهِدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل/۱۱۰) و «وَكُرْهُوا أَنْ يَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (توبه/۸۱).

راهبردها:

بررسی سیاق و زمینه آیات فوق نشان می‌دهد که در آخرین مرحله از مراحل جهاد در راستای ایجاد سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن کریم، لازم است که انسان مؤمن دائماً در حال جهاد عمومی بوده و بدین وسیله تلاش کند تا خود را دائماً در مسیر سبک زندگی اسلامی قرار دهد. از این روی راهبردهای ذیل برای آن متصور است:

۱. تلاش برای مقابله با انحرافات اجتماعی و خانوادگی

۲. سرسختی و جدیت در امر دینداری

۳. تحمل سختی‌ها و مشکلات مسیر دینداری

۵- جهاد به مثابه جنگ نرم

همان‌گونه که گفته شد، نظریه‌های مطرح در خصوص «جهاد»، آن را به مثابه اقدامی نظامی، سخت‌افزارگرایانه و همسان با «قتال» دانسته‌اند که در مواردی جنبه تدافعی دارد، حال آنکه بررسی آیات قرآن بیانگر آن است که نظریه قرآنی جهاد، به دنبال تبیین یک رویکرد جدید به مثابه اقدامی نرم افزارگرایانه است که می‌توان از آن به «جنگ نرم» تعبیر کرد و در این میان، جهاد نظامی، تنها به‌عنوان مصداقی از جهاد عمومی و در کنار دیگر گونه‌های جهاد، مطرح است.

مطابق این رویکرد، جهاد در دو گفتمان متفاوت قابل بررسی است: نخست، جنگ سخت که با واژه «قتال» در اسلام از آن تعبیر شده و دوم، جنگ نرم که در زیر مجموعه واژه «جهاد» از آن یاد شده است و در واقع فلسفه و بنیاد آن مشتمل بر اقدامات نرم‌افزارانه‌ای است که تلاش دارد از طریق نقد مبانی معرفتی غلط قدرت‌های نامشروع حاکم، به‌نفی ساختارهای متعصب سیاسی اجتماعی منتهی شود.

در نتیجه هرگونه اقدام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تبلیغی و ... که در قالب‌های مختلف سخنرانی، نگارش مطلب، مسافرت‌های تبلیغی، تجمع، تظاهرات، ساخت فیلم و ... به‌منظور تبیین ماهیت غلط و کفرگونه قدرت‌های نامشروع و متجاوز حاکم برگزار شود، خود مصداقی از جهاد و گونه‌ای از جنگ نرم محسوب شده و در نتیجه از فضایل و پاداش‌هایی که خداوند متعال برای مجاهدین در نظر گرفته، بهره‌مند خواهند شد.

همچنین به‌نظر می‌رسد قرآن کریم تلاش دارد از جهاد، به‌عنوان الگویی کامل و مطلق در زمینه تغییر جهان‌بینی و ارتقاء سطح معرفت و ایمان افراد استفاده کند، لذا در این زمینه راهبردهای مشخصی را بیان می‌کند. مطالعه گونه‌های این جهاد و چپ‌نش راهبردهای آنها در کنار یکدیگر، بیانگر آن است که این مسیر، همانا مسیر ایجاد سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن کریم می‌باشد که در جدول ذیل، راهبردهای نیل بدان درج شده است:

ردیف	گونه جهاد	هدف	راهبرد
۱	جهاد الهی	تغییر ماهیت انسان و جوامع بشری	تبیین ولایت الهی
			تبیین توحید و اقسام آن
۲	جهاد توحیدی	ترسیم جهانبینی توحیدی	اصلاح بینش‌ها و نگرش‌ها
			ارتقاء ایمان در تمام عرصه‌های حیات
۳	جهاد در راه خدا	تثبیت حضور افراد در مسیر هدایت و توحید	کسب تقوا و رحمت الهی
			صبر و استقامت در مسیر
			انفاق مال
			بذل جان
۴	جهاد مساعدی	همراهی جامعه اسلامی با رهبران الهی	تبعیت از رهبران الهی
			همراهی با جامعه اسلامی
			تقویت وحدت و پرهیز از اختلافات
۵	جهاد مقابله‌ای	تقابل همه جانبه با دشمنان خارجی و داخلی	دشمن شناسی
			عدم اطاعت از خواسته‌های نامشروع
			غلظت و شدت در مواجهه با دشمنان
۶	جهاد کبیر	مطلق تلاش و جهاد در جامعه اسلامی	مقابله با انحرافات اجتماعی و خانوادگی
			سرسختی و جدیت در دینداری
			تحمل سختی‌ها و مشکلات

نهایت آنکه به نظر می‌رسد از منظر قرآن کریم «جهاد»، دلالت بر الگویی نرم‌افزار گرایانه در عرصه مدیریت مناسبات دارد؛ حال آنکه «قتال» الگویی سخت‌افزار گرایانه را تداعی می‌نماید. لذا اگر بخواهیم از واژه «جنگ» در این زمینه بهره ببریم، دو نوع «جنگ نرم» و «جنگ سخت» را شامل می‌شود و لازم است مفاهیم یاد شده در این دو دسته تبیین و تشریح گردند.

در تشریح این اصطلاحات نیز لازم به ذکر است که در یک طبقه‌بندی کلی، قدرت به دو نوع سخت و نرم تقسیم می‌شود. «جوزف نای» بر این باور است که هر چند قدرت نرم و سخت در هم تنیده‌اند ولی قدرت

نرم به قدرت سخت وابسته نیست. به گفته نای، قدرت نرم توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن - به جای اجبار و یا امتیاز دادن - است. وی معتقد است «این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سیاست‌ها صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های ما در چشم دیگران مشروعیت دارد، قدرت نرم ما تقویت شده است. در واقع زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید ایده‌های شما و آنچه شما می‌خواهید را بپذیرند، بدون این که برای این کار هزینه زیادی (امتیاز یا اجبار) صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید» (گلشن پژوه، ۱۳۸۷: ۲۲).

به عبارت دیگر در سطح کلان و در عرصه روابط بین‌الملل، جوزف نای این گونه عنوان می‌کند که قدرت نرم، جلب نمودن مردم و استفاده از قدرت معنوی و اجتماعی آنها به جای اجبار آنهاست. در نهایت تعریف کلی که برای قدرت نرم ارائه شده، توانایی نفوذ و تأثیرگذاری بر افکار، اندیشه‌ها و اذهان با هدف تحمیل خواست و اراده از طریق جلب نظر و متقاعد ساختن ملت و دولت بدون استفاده از زور و اجبار فیزیکی است (نای، ۱۳۸۲: ۴۴).

به تعبیری قدرت نرم، توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است که جنس آن از نوع اقناع می‌باشد، در حالی که چهره زمخت و سخت قدرت از نوع اجبار و وادار کردن است و توجه ویژه‌ای به اشغال فضای ذهنی کشور دیگر از طریق ایجاد جاذبه دارد. همچنین زمانی، یک کشور به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی‌های خود را به‌منظور پایان دادن به موضوعات مورد اختلاف به کار گیرد و اختلافات را به گونه‌ای ترسیم کند که از آنها امتیاز بگیرد (نای، ۱۳۸۲: ۱۰).

در نهایت باید گفت که «قدرت» از جنس نفوذ بوده و بر توانایی و داشتن دیگران بر انجام کاری (قدرت ایجابی)، یا انجام ندادن کاری (قدرت سلبی) دلالت دارد (Vasquez, ۱۹۹۸: ۳۶۹-۳۸۶) و از حیث منبع به دو شکل اصلی است:

الف) قدرت سخت که بر «اجبار» استوار است و به شکل «زور» تجلی می‌یابد.

ب) قدرت نرم که بر «اقناع» و «جذابیت» استوار است و به شکل «پذیرش» تجلی می‌یابد (نای، ۱۳۸۷: ۳۵-۸۲؛ افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۴-۷).

«جنگ» نیز بر «سیاست منازعه» دلالت دارد که طی آن بازیگر به تأمین خواسته از طریق کاربرد غیر مسالمت‌آمیز قدرت اقدام می‌نماید. (Messenger, ۲۰۰۱: ۱۰-۱۵)

با عنایت به تحول ابزارها، شرایط و بازیگران در عصر حاضر - به واسطه ظهور فن آوری‌های تازه - جنگ‌ها نیز متحول شده‌اند که دو گونه اصلی آن عبارتند از:

۱. جنگ سخت؛ که بر مبنای کاربرد خشونت‌بار ابزارهای نظامی جهت تغییر رفتارها و برای نیل به اهداف خاص، طراحی و اجرا می‌شود.

۲. جنگ نرم؛ که بر مبنای کاربرد ابزارهای ارتباطی نوین و پیشرفته جهت تأثیرگذاری بر مبادی رفتاری برای نیل به اهداف خاص، طراحی و اجراء می‌گردد (افتخاری و شعبانی، ۱۳۸۸: ۴۵-۳۰).

مطابق آنچه گفته شد، مشخص می‌شود که «جهاد» در اسلام به مثابه راهبردی نرم‌افزاری مطرح است؛ به عبارت دیگر آنچه امروزه با عنوان عمومی «جنگ نرم» از آن تعبیر می‌شود، در واقع مبین راهبرد نرم‌افزارانه‌ای است که در اسلام در ذیل «جهاد» تأمین و عملیاتی می‌شود. از این منظر «قتال» به جنگ

سخت و «جهاد» به جنگ نرم دلالت دارد. البته باید تصریح نمود که «جهاد»، راهبردی نرم‌افزارانه است و شمول آن به مراتب بیشتر از جنگ نرم با دشمن می‌باشد. بدین معنا که «جنگ نرم با دشمن» از مصادیق «جهاد» به‌شمار می‌آید.

۶- نتیجه

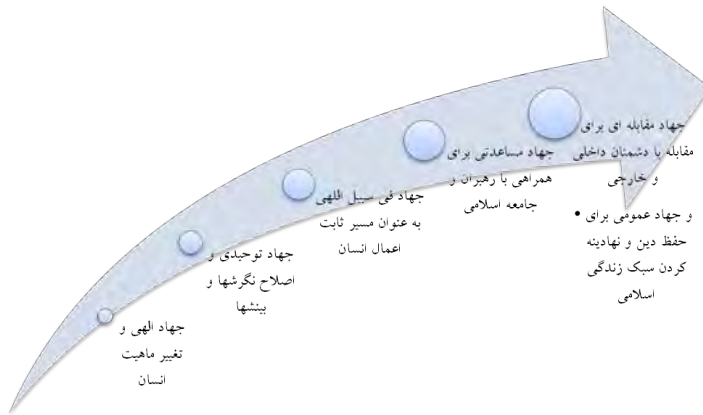
در این مقاله تلاش شده است تا با واکاوی مجدد مفهوم جهاد در قرآن کریم، به‌نوعی گونه‌شناسی جهاد در قرآن کریم تبیین شود. نتایج حاصل از این بخش نشان می‌دهد که فلسفه و بنیاد جهاد به‌عنوان مقوله‌ای فرهنگی-اعتقادی در گفتمان قرآن کریم، مشتمل بر راهبردهایی است که تلاش دارند از طریق نقد مبانی معرفتی غلط قدرتهای نامشروع حاکم، به‌نهی ساختارهای متعصب سیاسی-اجتماعی آنها پرداخته و در نهایت سبک زندگی اسلامی را در جامعه نهادینه سازند.

بدین معنا، جهاد؛ فرآیندی چند لایه و پیچیده می‌باشد که در پایین‌ترین سطح خود به جنگ سخت و قتال مرتبط می‌شود، اما در لایه‌های متعالی، جنگ نرم و جهاد همه جانبه توحیدی را مدنظر دارد که هدف از آن رشد و تعالی مبانی معرفتی و اعتقادی افراد جوامع بشری و نهادینه ساختن سبک زندگی اسلامی است.

در نتیجه هر گونه اقدام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تبلیغی و... که در قالب‌های مختلف سخنرانی، نگارش مطلب، مسافرت‌های تبلیغی، تجمع، تظاهرات، ساخت فیلم و... به‌منظور تبیین ماهیت غلط و کفرگونه قدرتهای نامشروع و متجاوز حاکم برگزار شود، خود مصداقی از جهاد و گونه‌ای از جنگ نرم محسوب شده و در نتیجه از فضایل و پاداش‌هایی که خداوند متعال برای مجاهدین در نظر گرفته است، بهره‌مند خواهند شد.

مطابق تحلیل ارائه شده از نظریه «جهاد» در قرآن کریم و جایگاه و اهمیت آن به‌عنوان مقوله‌ای فرهنگی-اعتقادی در چارچوب سبک زندگی اسلامی، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که لازم است حاکمان و رهبران جوامع اسلامی با توجه به‌شرایط جامعه و امکانات در اختیار، راهبردهای فرهنگی و اعتقادی مقوله جهاد را در مقابله با دشمنان داخلی و خارجی اتخاذ نمایند، چراکه به‌نظر می‌رسد شایسته‌ترین راه به‌منظور مقابله با انحرافات خارجی و نفاق‌های داخلی، تلاش برای رشد و تعالی مبانی معرفتی و اعتقادی جامعه اسلامی باشد که از منظر قرآن کریم این امر از طریق جهاد در راه خدا، جهاد کبیر، جهاد همه جانبه، جهاد مساعدتی، جهاد الهی و جهاد توحیدی واقع می‌شود.

در نهایت مطابق تحلیل ارائه شده از نظریه «سبک زندگی جهادی» در گفتمان اسلامی، می‌توان مدل ذیل را به‌عنوان مدل جامع این سبک زندگی ترسیم نمود:



نمودار ۱. مدل سبک زندگی جهادی از منظر قرآن کریم

منابع

قرآن کریم.

- ابراهیمی دینانی، غلام حسین (۱۳۸۶)؛ اسماء و صفات حق، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (بی تا)؛ الامالی، قم، موسسه بعثت.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالعظیم حرّانی (۱۳۶۸ق)؛ رسالة القتال، بی جا، مطبعة السنة المحمدیه.
- ابن رشد، محمد (۱۴۰۲ق)؛ بدایة المجتهد، بیروت، دارالعلم.
- ابن قدامه، عبدالله (بی تا)؛ المغنی، بیروت، دارالکتب العربی.
- ابن قیم الجوزیه، محمد بن ابی بکر (۲۰۰۶م)؛ زادالمعاد، القاهرة، مؤسسه المختار.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۲۶ق)؛ لسان العرب، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابوزهره، محمد (۱۳۸۴ق)؛ العلاقات الدولیه فی الاسلام، قاهره، الدار القومیه.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)؛ «جهد نرم در مقابل جنگ سخت، تحلیل راهبرد عاشورایی امام حسین (ع)»، مجموعه مقالات کنگره عاشورا پژوهی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- (۱۳۸۷)؛ «چهره‌های قدرت، گذر از سخت‌افزار گرایي به نرم‌افزار گرایي»، جوزف نای، قدرت نرم، سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افتخاری، اصغر؛ ناصر، شعبانی (۱۳۸۸)؛ قدرت نرم و جنگ نامتقارن، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- الاسمر، راجی (۲۰۰۵م)؛ معجم الادوات فی القرآن الکریم، بیروت، دارالجیل.
- یازی، سید محمد علی (۱۳۸۰)؛ چهره پیوسته قرآن، تهران، هستی نما.

- بیستونی، محمد (۱۳۸۶)؛ لغت‌شناسی قرآن کریم، تهران، مؤسسه قرآنی تفسیر جوان.
- پاکتچی، احمد (۱۳۸۰)؛ «جهاد»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، انتشارات دایرةالمعارف.
- حسن، محمد علی (۱۴۰۲ق)؛ العلاقات الدولیه فی القرآن و السنّة، عمان، مکتبه النهضة الاسلامیه.
- ذوقی، امیر، (۱۳۸۸)؛ درآمدی تحلیلی بر جایگاه صلح و جنگ در قرآن و سیره نبوی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)؛ المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان داودی، دار العلم، بیروت.
- زحیلی، وهبه مصطفی (۱۳۸۱ق)؛ آثار الحرب فی الفقه الاسلامی، بیروت، دارالفکر.
- سیّاح، احمد (۱۳۷۱)؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، انتشارات اسلام.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۹۴ق)، جواهر الکلام، محمود قوچانی، تهران، سروش.
- صالحی نجف آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)؛ جهاد در اسلام، تهران، نشر نی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۰)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
- طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵)؛ مجمع البحرین، احمد حسینی، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ سوم.
- طوسی، محمد (۱۴۱۷ق)؛ الخلاف، محمد مهدی نجف و دیگران، قم، انتشارات راه حق.
- طوسی، محمد بن الحسن بن علی (۱۳۸۷ق) المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، المکتبه المرتضویه.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳)؛ حقوق و قواعد مخاصمات در حوزه جهاد اسلامی و حقوق بین‌الملل اسلام، تهران، امیر کبیر.
- (۱۳۸۵- الف)؛ فقه سیاسی، تهران، امیر کبیر.
- (۱۳۸۵- ب)؛ اصول و مقررات حاکم بر مخاصمات مسلحانه (جهاد)، تهران، امیر کبیر.
- کاسانی، ابو بکر (۱۴۰۶ق)؛ بدائع الصنائع، قاهره، دارالعلم.
- کجباف، محمدباقر و دیگران (۱۳۹۰)؛ «رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی»، فصلنامه روانشناسی دینی، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- کرکی، علی (۱۴۰۸ق)؛ جامع المقاصد، قم، مؤسسه آل‌البتیت (ع).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ق)؛ الکافی، علی‌اکبر غفاری، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- گلشن پزوه، محمود رضا (۱۳۸۷)؛ جمهوری اسلامی و قدرت نرم، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷)؛ أحسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
- الماوردی، ابو الحسن علی بن محمد بن حبیب (۱۴۱۵ق)؛ الحکام السلطانیة و الروایات الدینیة، بیروت، الدارالکتاب العربی.
- محقق حلی، جعفر (۱۳۸۹ق)؛ شرائع الاسلام، عبدالحسین محمد علی، نجف، المکتبه العلمیه.
- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۸۶)؛ سوره‌های قرآن، درون‌مایه‌ها و محورها، محمد تقدیمی صابری، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

موتقی، سید احمد، (۱۳۸۱)؛ جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، سمت.
 موسوی خمینی، روح‌الله، (بی‌تا)؛ ولایت فقیه و جهاد اکبر، تهران، دارالفقیه.
 مهدوی کنی، سعید (۱۳۸۷)؛ «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 نای، جوزف، (۱۳۸۲)؛ کاربرد قدرت نرم، سیدرضا میرطاهر، تهران، نشر قومس.
 همو، (۱۳۸۷)؛ قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
 نووی، یحیی (۱۴۱۷ق)؛ المجموع، به کوشش محمود مطرحی، بیروت، دارالعلم.
 هندی، ل. بی و دیگران (۱۳۸۳)؛ اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان، فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، تهران، سازمان ملی جوانان.
 هیکل، محمد خیر، (۱۴۱۷ق)؛ الجهاد و القتال فی السیاسة الشرعیة، بیروت، دارالبیارق.

Adler, a.(1956), **the individual psychology of alfred adler**, newyork: basic books inc. american heriage Dic.

Heidegger, Martin(1962), **Being and Time**, translate by J.Macquarrie & E.S Robinson, Harper, New York.

Messenger, Charles(2001), **Reader Guide to Military History**, London & Chicago: Fitzory Dearborn.

Quinn, Philip(2000), **How Chirstianity Secures Lifes Meaning, in: The Meaning of Life in the World Religions**, e.d Runzo & Matin, Oxford.

Vasquez, John(1998), **The Power of Power Politics, U.S.:** Cambridge University Press.